

# شرق

## روزنامه

دیالوگ روز

عصر یخبندان - مصطفی کابلی - ۱۳۹۳

فرید (بهرام رادان)، می‌دونی تو عصر یخبندان کیا زنده موندن؟ فقط خاریشتا!

اونا دو راه داشتن؛ یا دور هم جمع شن و از همدیگه گرما بگیرن، یا از هم دور شن تا خارشون تو بدن هم نره. اونا راه اول رو انتخاب کردن.



• تئاتر دهقان یکی از ماندگارترین تماشاخانه‌های لاله‌زار است که در سال ۱۳۱۸ با همکاری احمد دهقان به همراه سیدعلی نصر پدر تئاتر ایران راه‌اندازی شد و به مرور زمان متروک و تعطیل شده است. عکس: مهدی صالحی، آنا

### یادداشت

## دوم خرداد ۷۶ تغییرات ارزشی و کنش سیاسی



علی ربیعی

در سال ۷۷، پژوهشی را برپا نمودیم که در آن انتخابات دوم خرداد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه انجام دادم و شش فرضیه مطرح را در رفتارشناسی رأی‌دهندگان بررسی کردم. یافته‌های من نشان داد تحولات ارزشی جامعه ناشی از تحولات جمعیتی و ساختاری، مهم‌ترین عامل در رأی‌آوری آقای خاتمی در انتخابات بوده است. علاوه بر اینها، عوامل دیگری همچون واکنش مردم به رفتارهای قیام‌بانه و نیز ویژگی‌های فردی و اخلاقی آقای خاتمی و مطابقت آن با نیازهای ارزشی جوانان در آن زمان بی‌تأثیر نبود. در آن دوره نتایج هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، نامنتظره و شگفت‌انگیز بود. بی‌تردید عوامل ایجادی آن، یک‌شبه بروز کرده و ناشی از تحولات عمیق ساختاری و جمعیتی بود که طی سال‌ها به مرحله تکوین رسید. من برخی از کنش‌های سیاسی مردم و رفتارشناسی رأی‌دهندگان را مطالعه کرده‌ام. در مجموع، معتقدم تغییرات ارزشی و تغییرخواهی، جان‌مایه و بن اصلی رفتارهای سیاسی به‌خصوص مشارکت سیاسی رأی‌دادن یا رأی‌ندادن در انتخابات‌هاست. به نظر من هنوز هم تغییرات ارزشی به‌خصوص در میان نسل‌های جدید مهم‌ترین پایه تحولات اجتماعی ما خواهند بود. باید تحولات ارزشی را جدی گرفت.

مطالعات من نشان دادند در آن زمان تحولات ارزشی در متن گفت‌وهای اسلام و انقلاب اسلامی بود. نوعی بازخوانی مهربانانه، مسالمت‌جویانه همراه با زندگی اجتماعی از ارزش‌های اولیه انقلاب اسلامی بود. مطالعات حاکی از آن است که نه‌تنها در کشور ما بلکه در سطح جهانی به موجب دگرگونی در نظام ارتباطی و فناوری‌های نو و به‌طور شدیدتر در جامعه ایران، نسل بعد از پدیدآورندگان دوم خرداد در کشور، آن‌چنان دچار تغییرات ارزشی شده‌اند که گسست‌های زیاد نسبت به ارزش‌های اولیه در آنها قابل مشاهده است. گسست‌ها و پیوست‌های جدیدی به وجود آمده است. به نظر من گسست‌های شناخته‌شده و پیوست‌های نامشخص خصیصه تغییرات ارزشی دو دهه اخیر جامعه ایران است. برای مثال، عبور از ارزش بقا به ارزش‌های ابراز وجود، نگاه فردگرایانه و اهمیت‌یافتن فرد برای خویش یا در مثالی دیگر حتی نوعی از معنویت‌گرایی‌های جدید بروز یافته‌اند. تغییرات ارزشی دو دهه اخیر بسیار تأمل‌برانگیز و قابل‌توجه است و فکر می‌کنم نوعی زندگی اجتماعی با ارزش‌های نوین در کنار آنچه گسست ارزشی ما بوده، شکل گرفته و گاهی آن ارزش‌های سنتی را که پیش از این می‌شناختیم، کنار زده است.

علاوه بر علل شکل‌گیری پدیده دوم خرداد، تجربه غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار و کنش سیاسی و اجتماعی جامعه نیز قابل اعتناست. این پیش‌بینی‌ناپذیری در رفتار سیاسی جامعه در نتایج انتخابات‌ها تا سال ۱۴۰۰ به عنوان یک سنت رفتاری تداوم یافته است. علاوه بر رفتار رأی‌دهندگان، کنش جمعی سیاسی در برخی از اعتراض‌های به‌وقوع‌پیوسته در سال‌های اخیر هم قابل مشاهده است. به اعتقاد من، دلایلی همچون عدم توجه به علوم انسانی به‌خصوص علوم اجتماعی و احاله‌دادن کنش‌ها و رفتارها به مسائل موهوم و غیرواقعی و برداشت‌های دلخواهانه از این اتفاقات، پیش‌بینی‌ناپذیری‌های اجتماعی را تداوم داده است. در مجموع، عدم اهتمام به درک تغییرات ارزشی، نادیده‌گرفتن واقعیت‌های آن و عدم اعتنا به مطالعات اجتماعی فرجام‌طلبی به همراه ندارد.

## ابرمضمونی به نام فقر



فادر باستانی

پژوهشگر ارتباطات اجتماعی

چوب برانیم، محتوای رسانه‌های می‌تواند نوعی از خیر و منفعت اجتماعی باشد. مسئولیت اجتماعی اهل رسانه، در زمانه‌ای که اطلاعات به عنوان منبع و منشأ قدرت شناخته می‌شود، ناگزیر آنها را در برابر مراجع قدرت قرار می‌دهد و فعالیت رسانه‌ای را به سیاست و قدرت پیوند می‌زند. اگرچه تنش با قدرت جزئی از ماهیت رسانه حرفه‌ای است، اما ارائه تصویر عینی و بدون تحریف از وضع مردم، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی اهل قلم است. در جوامع توسعه‌یافته با پذیرش نقش رسانه به عنوان دیده‌بان قدرت، گام اساسی در کنترل فساد و تحقق نظارت عمومی بر مسئولان برداشته‌اند.

مسئله بازنمایی فقر در رسانه، زمانی اثربخشی بیشتری دارد که در کنار آن، موانع و مشکلات مربوط به رفع فقر نیز از زبان کارشناسان بیان شود. روشی که رسانه‌های حامی دولت در کمربند نشان‌دادن مشکلات معیشتی جامعه در پیش گرفته‌اند، حاصلی ندارد و صرفاً آنها را در معرض اتهام پروپاگاندا قرار می‌دهد و به گریز مخاطب می‌انجامد. مواجهه با واقعیت در بازنمایی فقر و روراست‌بودن با مخاطب، نتیجه بهتری دارد. ضمن اینکه باید توجه داشت، مخاطب امروز، به جهت تعدد و تنوع کانال‌های دریافت محتوا، زنده شده و به راحتی تحت تأثیر محتوای سفارشی قرار نمی‌گیرد. استفاده از افراد انبوه مزدبگیر در فضای مجازی هم کاملاً اثر عکس می‌گذارد و فضای افکار عمومی را به سمت محتوای برانداز بیرونی سوق می‌دهد. اخیراً جریانی در رسانه‌های حامی دولت دیده شده که خط کتمان فقر و متهم‌کردن مردم به ریاکاری و فقیرنمایی را پیش می‌برند. تأثیر چنین محتوایی از قبل مشخص است؛ اقشار ضعیف و بیچاره‌ای را که دخل و خرجشان نمی‌خواند و با واقعیت‌ها، شرایط سخت‌تر از گذشته را تجربه می‌کنند، از موضع مخالف به موضع معاند می‌کشاند و اعتبار آن رسانه را هم نزدشان زائل می‌کند.

در دنیای به شدت رسانه‌ای‌شده امروز، صداقت، درست‌ی و روراستی با مخاطب، باطل‌السحر هرگونه فضاسازی، دستکاری در محتوا، اغواگری و فریب مخاطب است. فقر فقط آن نیست که فرد نتواند شکم خود و خانواده‌اش را سیر کند، امروز فقر یعنی توقعی در مردم ایجاد کردیم و ناتوان از ادای آن هستیم. اگر قصوری هست بپذیریم و اگر نیست، واقعیت را صادقانه با مخاطب در میان بگذاریم. بازنمایی درست فقر در رسانه‌ها، هنری است که می‌تواند اهرمی برای سرعت‌بخشیدن به بهبود اقتصادی کشور باشد.

### هرمزان

## مرگ یوزپلنگ! پناه به اندونزی!



فریدون مجلسی

سال‌هاست از نسل در آستانه نابودی یوزپلنگ ایرانی می‌گویند و می‌نویسند و چه ماجراهای اجتماعی و سیاسی پشت سر گذاشته است. زایمان «ایران» یوزپلنگ بسیار تلخ بود. این چه سری است که هر تلاشی برای بقای نسل گونه‌های در حال انقراض می‌شود، نارسیده به این دیار می‌برسد. دیار عدم کجا باشد. چند سال پیش چند ببر آوردند و به محض ورود ممشه گرفتند و مردند! بعد چند رأس گورخر آوردند که در زمان بهرام هم شکاری باب طبع بود و به محض ورود در سنکری سقوط

کردند و مردند؛ اما این یوزپلنگ با آن توله‌های زیبا ترازدی ملی شد. حالا گیریم نیاز واقعی به سزارین بوده است! چگونه یک تازه‌کار در چنین موردی به خودش اجازه داده خودسرانه بار مسئولیت را برعهده بگیرد؟ چگونه به جای مشورت درباره تغذیه خودسرانه آنها را بغل کرده و با پستانک شیر گاو داده‌اند؟ چگونه با مرگ اولی به فکر دومی نیفتادند؟ چگونه با مرگ دومی ناگهان به فکر دامپزشک کارشناس اندونزیایی افتادند! مگر توله یوزپلنگ بچه سوسمار است؟ مگر این کشور با این همه دامپزشک و دانشکده یک کارشناس قابل نداشت؟ در کشوری که هزاران سال سابقه دامداری و پرورش حیوانات و فرهنگی بیظاری دارد، چگونه به فکر راهی به این دوری تا اندونزی افتادند! برسد تا همین صد سال پیش در اندونزی دامپزشک و کلمه دامپزشکی وجود داشت؟ فوتیال

که نیست که برای بالابردن درآمد‌های مدیریتی خودشان به استخدام کارشناسان گروت و کتابی و کلمبایی متوسل شوند! آیا فکر نکردند که چه اهانتی به نظام دامپزشکی کشور می‌کنند؟ یا چه کسی مشورت کردند؟ هزینه‌اش را چه کسی می‌پردازد؟ اکنون یک یوزپلنگ ماده نازا و یک توله نر ناتوان روی دست‌مان مانده و پروژه افزایش نسل در حال انقراض یوزپلنگ، دست‌کم شما که با کلونینگ و شبیه‌سازی از تک‌سلول کوسفند بره‌ای تولید کردید، حالا ببینید با شبیه‌سازی از تک‌سلول یوزپلنگ سابقا مادر می‌توانید چند توله در شکم چند گربه پرورش دهید. با دامپزشک مشورت کنید. شاید شیر گربه با مزاج توله بر جای مانده سازگار باشد. اگر نشد کارشناس از پاراگونه بیابورید و در مهمانسرای سازمان محیط زیست کنار اتاق یوز زنده‌مانده اسکان دهید.

# ما مقاومیم

## خرم‌خواران آزاد مردم

### سوم خرداد، سالروز فتح خرمشهر

### روز ملی مقاومت، ایثار و پیروزی

## عنکبوت مقدس روی فرش قرمز کن

هفتادونهمین جشنواره کن در روزهای پایانی خود قرار دارد و امسال با دو اعتراض زبانه، دچار شکستی شده است. یک بار زنی که با نوشتن شعار بر روی بدن خود روی فرش قرمز حضور پیدا کرد و بار دیگر ۱۲ زن سیاه‌پوش همراه با دود خبر از اکران یک فیلم مستند درباره زنان فمینیست دادند. همچنین عوامل فیلم سینمایی «عنکبوت مقدس» ساخته علی عباسی بر روی فرش قرمز جشنواره کن حضور پیدا کردند. این فیلم نخستین نمایش جهانی خود را تجربه کرد؛ فیلمی که علاوه بر سوزنه آن که کشتن زنان در شهر مشهد را در بر می‌گیرد، به دلیل حضور زهرا امیرابراهیمی بازیگر ایرانی به‌شدت مورد توجه بود. به گزارش ایستنا، این فیلم در نخستین نمایش خود در بخش مسابقه اصلی جشنواره در سالن گرند لومیر به روی پرده رفت و با واکنش مثبت منتقدان همراه شد. این فیلم سینمایی از ۲۲ تا ۲۵ می (۱ تا ۴ خرداد) در پنج نوبت در جشنواره کن به نمایش گذاشته می‌شود.

«تیم رایسی» و «رابرت کالین» منتقدان سینمایی نشریه تلگراف به همراه «آنتون دولین» از سایت خبری «مندوزا» روسیه، چهار ستاره کامل را به فیلم «عنکبوت مقدس» در کنار منتقدان اسکرین اختصاص دادند و «پیتر بردشاو» منتقد ارشد سینمای گاردین هم دو ستاره

به ساخته علی عباسی اختصاص داد. منتقدان روزنامه لوموند و مجله تایم هریک با دادن یک ستاره، کمترین امتیاز را برای این فیلم جهانی درباره یک قاتل سریالی اختصاص دادند و «میشل سیمین» از مجله سینمایی پوزیتیف فرانسه هم نمره متوسط (دو ستاره) به این فیلم داد. «عنکبوت مقدس» در مجموع نمره ۲.۲ (از ۴) را در جدول منتقدان اسکرین در جشنواره کن کسب کرده است. علی عباسی در گفت‌وگو با ویرایتی درباره فیلمش می‌گوید: ایده ساخت زمانی در ذهنم شکل گرفت که یک قاتل سریالی در مشهد دستگیر و دادگاهی شد؛ اما ناگهان عده‌ای شروع به تشویق این مرد به‌عنوان قهرمان کردند. بخشی از رسانه‌های محافظه‌کار ایران نیز او را تشویق می‌کردند و این زمانی بود که برای من جالب شد که چرا کسی فکر می‌کند او یک قهرمان است؟»

اگرچه «عنکبوت مقدس» یک فیلم ایرانی است؛ اما در ایران فیلم‌برداری نشد؛ زیرا اجازه فیلم‌برداری آن در کشور داده نشده است و در نهایت فیلم در کشور اردن، مقابل دوربین رفته است. عباسی در «عنکبوت مقدس» مضمون فیلمش را «زن‌ستیزی» توصیف کرد و ابراز امیدواری کرد که این فیلم یکی از معدود فیلم‌های ایران باشد که نگاهی نسبتاً واقعی به جامعه دارد.